

گرایش‌های هنری

مؤلف: استفان لیتل

مترجم: مریم خسروشاهی

۱

رئیس

۱۱

رئیس

۲

باروک و رک

۴۱

و رک

۳

ق

۶۹

رن نو زده

۴

م

۹۷

در رئیس

۵

پس

۱۲۹

ت مدر رئیس

۶

پیوست

۱۴۳

ت

رنسانس به معنای «تولد دوباره» است و در جریان رشد هنر و فرهنگ غرب به دوره‌ای گفته می‌شود که از ۱۳۰۰م آغاز شد و در ۱۶۰۰م به پایان رسید. رنسانس دوران کشف و بازیابی، اراده و تغییر است. جریان‌های متعدد و متناقض بسیاری بر این دوران حاکم بودند. رنسانس بیش‌تر با ایتالیا، به ویژه شهرهای فلورانس، ونیز و رم پیوند دارد، اما اروپای شمالی هم در پرورش رنسانس سهمی داشت، خصوصاً در گسترش طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم).

نظم، تقارن و تناسب، پرسپکتیو (عمق‌نمایی) هنر کلاسیک، فضا، جنبش و جریان هنری

رنسانس شاهد «تولد دوباره» در گرایش به گذشته کلاسیک (هنر باستانی یونان و روم) بود. در این دوران افراد، به جای نهادهای آکادمیک نقش اصلی را در هدایت جریان‌های هنری بازی می‌کردند. بررسی و مطالعه تاریخ، فلسفه و هنر یونان باستان و روم، مهم‌ترین پایه اومانیزم (انسان‌گرایی) رنسانس بود. این جریان، یک گرایش گسترده فلسفی بود که در آن پاسخ به پرسش‌های طرح شده درباره روابط انسانی (اعم از اجتماعی، دینی و فلسفی) از طریق به‌کارگیری خرد و تأمل در تجربیات، جانشین پاسخ‌های مبتنی بر منابع و مراجع مذهبی شد.

عمده‌ترین طرح و برنامه رنسانس، که بسیار بلندپروازانه و نیز ذاتاً متناقض است، تلفیق ارزش‌های کلاسیک یا اومانیزم با ارزش‌های مسیحی بود. جورجو وازاری، مؤلف کتاب «زندگی چند تن از بهترین هنرمندان، نقاشان و مجسمه‌سازان ایتالیایی» (چاپ شده در ۱۵۵۰ و ۱۵۶۸م) معتقد بود که هنرمندان رنسانس برتر از هنرمندان کلاسیک هستند، چرا که با تلفیق این ارزش‌ها به وحدت دست یافته‌اند.

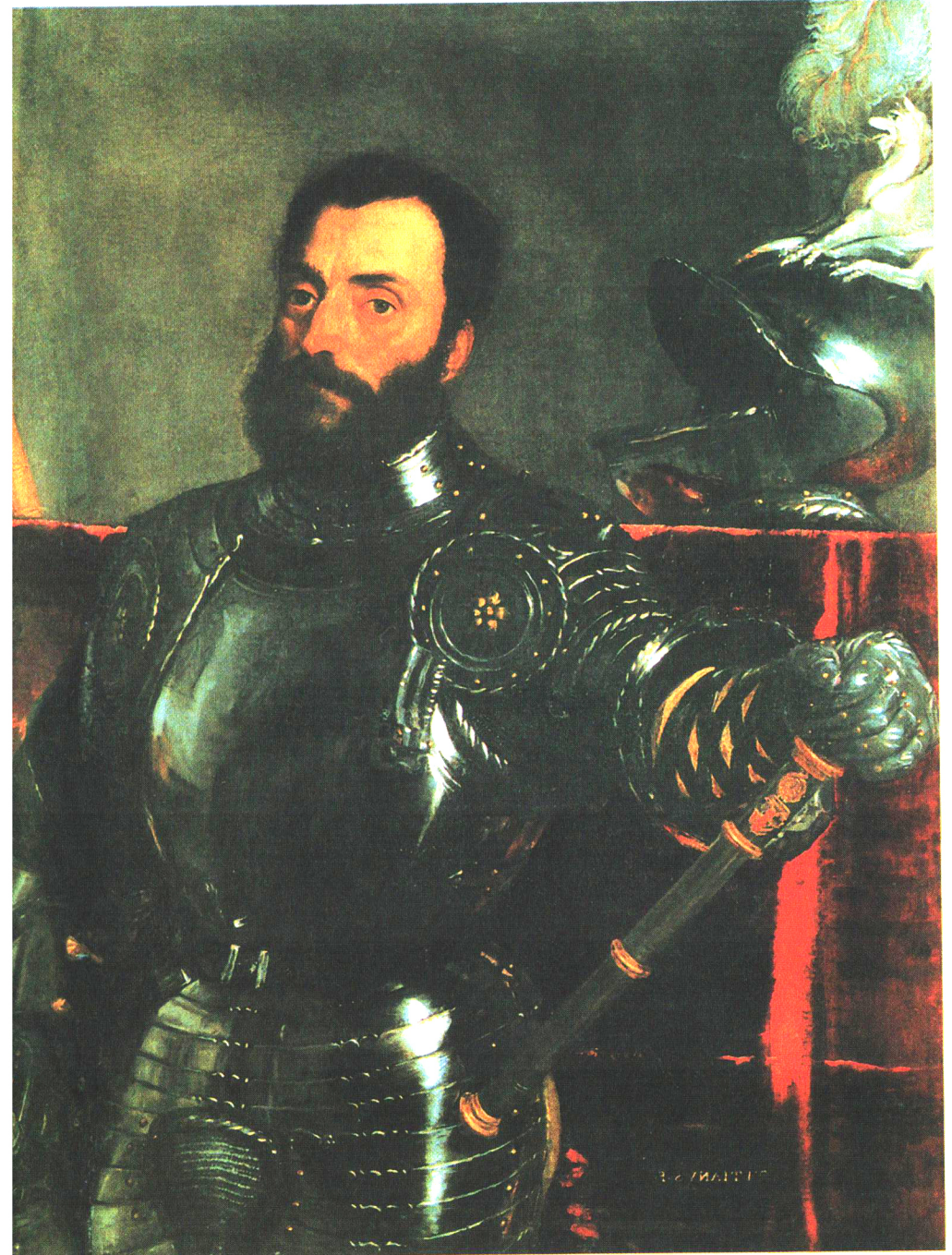
اومانیزم نیروی محرکه‌ای بود که از هنر کلاسیک، به ویژه خدایان، قهرمانان اسطوره‌ای،

تاریخ کفر و پیش از مسیحیت، در هنر رنسانس حمایت کرد. علاوه بر این احیای معماری کلاسیک با اصول طراحی منطقی و عقلانی و تأکید آن بر تقارن و تناسب نیز در این مسئله مؤثر واقع شد. بازنمایی‌های دقیق از طبیعت نیز در رنسانس اهمیت بیش‌تری یافت. هنرمندان رنسانس عزم داشتند تا در روش‌های اصولی بازنمایی طبیعت مهارت پیدا کنند. بارزترین نمونه‌ای از روش برای این کار «پرسپکتیو خطی» بود.

مهم‌ترین آثار هنری در اوفیزی، فلورانس

← مادونا و کودک (مادونای غارها)، حدود ۱۴۴۶، آندریا مانیتینا
مانیتینا هم، مثل بسیاری از هنرمندان رنسانس، به شدت تحت تأثیر مجسمه‌سازی کلاسیک بود. مسیح کودک او استحکام فیزیکی باورنکردنی‌ای دارد. مانیتینا در این اثر مادونا و کودکش را در یک منظره متداول در ایتالیا جای می‌دهد تا بر انسانیت مشترکشان تأکید کند. تنها هاله تقدس به دور سر مادونا است که او را از یک زن معمولی متمایز می‌کند.





از آن جا که هنرمندان رسانس در هنر دنیای باستان با یکدیگر رقابت می‌کردند، موقعیت اجتماعی آنان دچار تحول شد و مقامی بالاتر از پیشه‌وران و صنعت‌گران یافتند. مهارت‌ها و استعدادهای فردی، نوآوری‌ها و عقاید شخصی هنرمندان اهمیت و شان فرهنگی بیش تری یافت. جای تعجب نیست که رسانس با مفهوم نبوغ هنری پیوستگی دارد. اما در پشت شخصیتی مثل لئوناردو داوینچی بلندپروازی‌ها و جاه‌طلبی‌های سیاسی حامیان بانفوذ و نیز سلسله‌ای از پاپ‌ها قرار دارد که به دنبال اتحاد ایتالیا در مقابل تهدید فرانسه برای تصرف آن و نیز در آرزوی بازگرداندن رم به جایگاه پیشین آن به عنوان مرکز قدرت بودند. ضمن این که نظریات موجود در یونان و روم باستان درباره ماهیت دولت و حکومت، جرات نو یافته‌ای برای بروز و تثبیت قدرت غیر مذهبی به وجود آورد.

➔ فرانچسکو ماریا دلا روبر، ۸ - ۱۵۳۶، اثر تیتین

در دوره رسانس، هنرمندانی مثل تیتین به سطوح تازه‌ای از جزئیات ناتورالیستی دست یافتند. با آغاز تلاش هنرمندان رسانس برای سطح جلوه‌های نور و سایه بر سطوح مختلف، زره بر تن سربازان در نقاشی‌های مختلف درخشیدن گرفت. نقاشی تیتین از چهره یک نظامی از نظر این قبیل جزئیات ناتورالیستی بسیار غنی است. این نقاشی هم چنین بیانیه نیرومندی برای قدرت و اقتدار غیر مذهبی است.

سایر آثار هنری در اوفیزی، فلورانس

مادونا و کودک همراه با دو فرشته، حدود ۱۴۶۴، اثر فرا فیلیپو لپی

بهار، ۸۰ - ۱۴۷۷، اثر ساندرو بوتیچلی

پیدتا، ۴ - ۱۴۹۳، اثر پیتررو وانوچی مشهور به پروجینو

غسل تعمید مسیح، ۱۴۷۵، اثر آندرئا وروکیو و لئوناردو داوینچی

خانواده مقدس، ۱۵۰۲ (اثر اهدایی با ترکیب بندی مدور)

اثر میکلائو بنجیوناروتی

مادونا و کودک همراه با یوحنا مقدس (مادونا با سپهره)،

۶ - ۱۵۰۵، اثر رافائل سانزیو مشهور به رافائل